



گفتمان دلتنگی در خیابان پاییزی

نقدی بر کتاب خداحافظی در خیابان پاییز، سرودهٔ مریم اسلامی

الف. مروری بر زیبایی‌هایی که یک دلتنگی را دلنشین کرد

مضمون‌های این مجموعه عموماً حول محور درون‌مایه‌هایی چون مهربانی، عشق و دوستی نوسان دارد. مریم اسلامی برداشت‌هایی از دنیای پیرامونش را بر بستر عمومی زندگی به تصویر کشیده است. تصویرهایی که با وجود سادگی روایتگر نکات ارزشمندی برای مخاطب نوجوان‌اند. او به این دنیا معمولاً از دریچهٔ چشم مخاطب نوجوان نگرسته است. مثلاً نوجوانی که از بدخلقی معلمش به تنگ آمده و آمدن برف را به آمدن او ترجیح داده است: «... کاش آن ابر بی خیال دور/ نیمهٔ شب به حرف آمده بود/ تا به جای نگاه سنگینت/ صبح امروز/ برف آمده بود!» (ص ۶).

در اینجا تناسب واژه‌های «نگاه و سنگین» و «برف و سنگین» نیز قابل توجه است. این تناسب نشان از نقش کلیدی واژهٔ «سنگین» در این شعر دارد. چون هیچ کلمه‌ای را نمی‌توان جایگزین آن کرد. آرزوی دوستی و مهربانی را در تصویرهای سادهٔ شعرهایی مثل «کاش برف»، «دوست» و «رودخانه» می‌توان دید. یا در شعرهای «خداحافظی در خیابان پاییز»، «خاطرات»، «روی تارهای صوتی جهان» و «روی قلعه‌های دور»، از دلتنگی‌هایی گفته شده است که هر نوجوانی آن‌ها را در زندگی بارها تجربه کرده است.

از منظر زیبایی‌شناسی، «عنوان» یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر اثر است. «عنوان‌ها در فضا سازی، درک شعر، تبیین درون‌مایه، و بیان اندیشه‌ها، عاطفه و جنسیت شاعر و ... نقش دارند. به‌طور کلی، گاه نمی‌توان شعر را بدون توجه به‌عنوان به‌صورت دقیق مورد خوانش قرار داد» [دهرامی، ۱۳۹۴: ۳۴]. عنوان شعرهای این مجموعه را شاید بتوان در دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

خداحافظی در خیابان پاییز

شاعر: مریم اسلامی
تصویرگر: فهیمه محبوب
سال انتشار: ۱۳۹۶
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
مخاطب: گروه سنی «۵»

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

خداحافظی در خیابان پاییز مجموعه‌ای دیگر از آثار مریم

اسلامی، شاعر خوب کودک و نوجوان است. اسلامی در سال‌های اخیر آثار قابل تأملی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده است؛ از آن جمله است: «سی شعر سی ضرب‌المثل»^۱ و «۴۸ لایه»^۲. نگارنده از مریم اسلامی مجموعهٔ شعر نوجوان به یاد ندارد. این اثر شاید اولین مجموعه شعر نوجوان او باشد. در این مجال کوتاه فرصت نیست به تمام ابعاد و ویژگی‌های مجموعهٔ «خداحافظی در ...» پرداخته شود، اما می‌توان اشارهٔ مختصری به برجستگی‌های ساختاری، محتوایی و نمودهای زیبایی‌شناسانهٔ اثر داشت. در واقع با وجود جوایز متعددی که این کتاب گرفته است - مثل جایزهٔ پروین اعتصامی^۳ و... - توقع مخاطب از کتاب بالاست.

البته باید در نظر داشت، تا امروز تمام امتیازهای به‌دست‌آمده به دلیل جلب نظر داوران و کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان بوده است. جلب نظر مخاطبان نوجوان مقوله‌ای دیگر است که پس از این مشخص خواهد شد. چون در جایگاه مخاطب بزرگسال و کارشناس این حوزه - براساس شواهد و استدلال‌های نظری - فقط می‌توان تا حدی این تناسب را مشخص کرد، اما نمی‌توان قضاوتی از نگاه مخاطب نوجوان داشت. چون رسیدن به نتیجه در این باره فقط با تحقیق میدانی و برگزاری جلسه‌های نقد مخاطبان امکان‌پذیر است.

گروه اول عنوان‌هایی هستند که از کلمات و عبارات کلیدی شعرها ساخته شده‌اند. گروه دوم کلمه‌ها یا ترکیب‌هایی براساس مضمون یا برساخته اثر هستند. شاعر در گروه دوم خلاق‌تر از گروه اول عمل کرده است. چنان‌که در شعر «حرف آسمان» می‌خوانیم. «با گچ سفید/ نقطه نقطه حرف/ آسمان نوشت/ برف/ برف/ برف» (ص ۱۴).

اسلامی در مجموع عنوان‌های خوبی را برای آثار این کتاب برگزیده است. در نظر داشته باشید که عنوان نه فقط شناسنامه اثر که عامل مهمی در جذب مخاطب است. هم‌چنان‌که شاعر گاهی با جابه‌جایی کلمات یک عنوان نه‌چندان بدیع، مثل «آخرین شام» را آورده است. این عنوان تداعی‌کننده نام یک تابلوی نقاشی معروف^۴ است. در این شعر تصویری از آخرین حضور - یک شخصیت نمادین - ارائه داده می‌شود.

مثل هر متنی، در شعرهای مریم اسلامی هم ردپای متون دیگر دیده می‌شود. با قدری تأمل در این مجموعه می‌توان تأثیرپذیری از آثار شاعران معاصر را دید. البته این تأثیرپذیری با رویکردی کاملاً فعال و پویا در جهت بازتولید مضمون انجام شده است. شعر «خاطرات» نمونه اثری است که اثر زیبای قیصر امین‌پور را یادآوری می‌کند: «دردهای من/ جامه نیستند/ تا ز تن درآورم/ جامه و چکامه نیستند/ تا به رشته سخن درآورم/ نعره نیستند/ تا ز نای جان برآورم».

نیمایی «خاطرات» مریم اسلامی در عین پایبندی به فضای عاطفی شعر یاد شده، از عشقی پایدار سخن گفته است. او هم از یک پایداری عمیق در شعرش گفته است، اما پایداری به عشق باز می‌گردد نه به بیان دردهای پنهان و نگفتنی: «یاد تو/ عطر نیست/ از لباس‌های مانده بپرد/ یاد نیست/ برگ را تکان که داد/ بگذرد/ خاطرات تو/ تکان نمی‌خورد/ مثل کوه محکم است/ کوه را که دیده‌ای! احتمال جابه‌جایی‌اش کم است» (خاطرات، ۴۲). این مورد از مصداق‌های زیبای «بینامتنیت»^۵ (متن پنهان) است. چون هیچ متنی بدون پیش‌متن نیست و متن‌ها همواره بر پایه متن‌های گذشته بنا می‌شوند. همچنین هیچ متن، جریان یا اندیشه‌ای اتفاقی و بدون گذشته خلق نمی‌شود (انامور مطلق، ۱۳۹۴: ۲۴). مصداق‌های بینامتنی در مجموعه او تنها در تداعی نام و یاد از دیگر آثار خلاصه نمی‌شود. کاربرد زبان تلفیقی یکی دیگر از مصداق‌های بینامتنیت است که در بخش‌های شعر یاد شده (تلفیق زبان گفتار و نوشتار) مشخص است.

او از طریق این ویژگی بینامتنی به کدهای زبانی زیبایی در آثارش رسیده است. آن‌گونه که بارها عبارت‌هایی را در آثارش به‌کار برده است که جزء اصطلاحات آشنا در زبان گفتارند. در این شعرها هم با وجود هنجارشکنی و برجستگی که در ساختار زبان ایجاد کرده‌اند، تشخیص زبانی ویژه‌ای به برخی از آن‌ها بخشیده‌اند؛ مثل «این کم/ زیاد را» (ص ۱۸)، یا «همان صبح من می‌روم نان بگیرم» (ص ۲۲). همان‌طور که می‌بینید، این نمونه در ماهیت و کاربرد به کد زبانی تازه‌ای برای مخاطب تبدیل شده است.

در سال‌های اخیر کارشناسان بارها به ظرفیت بالای قالب نیمایی در شعر معاصر اشاره کرده‌اند. نوجوان امروز تحت‌تأثیر دنیای پیرامونش بیشتر از آنکه به دنبال خواندن شعر کلاسیک باشد، به دنبال خواندن و شنیدن نمونه‌های نو است. قالب نیمایی دارای ظرفیت بسیار بالایی برای این مخاطب است. چون این قالب نه دچار باید و نبایدهای بیش از حد موسیقی در شعر کلاسیک است، نه به بازی‌های فراوان زبانی شعر سپید و آزاد مبتلاست. قالب‌های شعرهای این کتاب هم به دلیل نیمایی بودن، گونه‌ای مزیت برای جذب مخاطب نوجوان دارند. در میان نیمایی‌های این کتاب سه طرح‌واره‌هایی برمی‌خوریم که به مجموعه هویتی نوگراتر داده‌اند. این طرح‌واره‌های صرفاً تصویری بیشتر به نام «هایکو»^۶ شناخته می‌شوند. قالبی کوتاه و تصویری که در این مجموعه، شعرهای «دوست» (ص ۱۰)، «حرف آسمان» (ص ۱۴) و «پرتقال ماه» (ص ۳۴) ویژگی‌های نزدیکی با این تعریف و ساختار دارند. در این شعرها، بعد تصویر و متن آن‌چنان در هم تلفیق شده‌اند که حتی اگر آن صفحه فاقد تصویرگری هم بود، مخاطب به راحتی می‌توانست تصویر آن‌ها را در ذهنش مجسم کند. ضمن اینکه در نمونه یاد شده آخر، تناسب «آه، غروب و پرتقال ماه» ردپای واژه‌ها در ساخت تصویر زیباست. برخی ترکیب‌ها و عبارت‌ها در ذهن می‌مانند و از نظر نگارنده هم «پرتقال ماه» - اگر نظیر دیگری در ادبیات معاصر نداشته باشد!

- را نیز باید در گروه آثار به‌یادماندنی گنجانند.^۷ البته سایر تصویرها در آثار این مجموعه نیز در عین سادگی قابل توجه‌اند. چون معمولاً از تشبیه‌های ساده مثل «پارک‌ها کتاب‌خانه‌اند» (ص ۳۶)، یا «لحظه‌ها/ مثل دانه‌های شن ...» (ص ۸)، یا دوستان صمیمی که به «دانه‌های برف» تشبیه شده‌اند، شکل گرفته‌اند. شبکه‌های تصویری در شعرهای این کتاب گاه بافتی سورئال و نقاشی‌گونه به آن‌ها داده است؛ مثل این نمونه: «مادران ما درخت بوده‌اند/ روی دست‌هایشان/ رد پای دسته‌ای پرنده است» (ص ۴۰).

عنصر خیال در شعرهای این مجموعه عموماً ساده است. به همین دلیل برای هر مخاطبی تصویرهای شعرها دست‌یافتنی‌اند. برخی از این تصویرها به پایان‌بندی‌های زیبا مثل این نمونه خلاصه شده‌اند: «با شروع فصل سرد/ مادرم نشست و چند تا کلاه بافت/ من کنار او نشستم و خیال بافتم/ زرد/ صورتی بنفش/ ... کاش این خیال‌ها/ تنت شوند/ زیر دانه‌های برف/ دستکش، کلاه و شال‌گردنت شوند» (ص ۱۲). یا در شعر «کتاب شب»، سوسو زدن ستاره‌ها در دو عبارت پایانی کاملاً دیده می‌شود: «... قصه‌ها شروع می‌شوند با/ یک ستاره بود/ یک ستاره هم نبود» (ص ۲۰).

«حس‌آمیزی» عنصری ارزشمند در بحث تخیل است که در شعر کودک و نوجوان بسیار کاربرد دارد. زیرا از این طریق می‌توان به حیطة زبان و درک تصویری مخاطب نزدیک‌تر شد. اسلامی به خوبی از این عنصر در زبان شعرهایش استفاده کرده است: «... مهربانی نگاهشان چقدر/ طعم پرتقال می‌دهد/ آسمانشان

«خداحافظی در خیابان پاییز» اثری قابل تأمل است. کتابی که نوجوانان می‌توانند آن را بخوانند و از آن لذت ببرند. چون با تجربه زندگی آن‌ها از هر طبقه و سلیقه‌ای متناسب است

چه آبی است/ بوی بال می‌دهد» (ص ۴۰). «طعم پرتقال» در این بخش از شعر نه فقط یکی از نمونه‌های زیبای حس‌آمیزی است، بلکه به نشانه‌ای بینامتنی تبدیل شده است. چون یادآور رمان زیبایی از نویسندهٔ نروژی، یاستین گورد^۱ است. نمودی دیگر از بینامتنیت بودن که در تناسب با مضمون اثر این زیبایی دوچندان شده است.

ب. مجموعه‌ای که دارای هویت است

برخی از شعرهای این مجموعه از نظر محتوایی دارای هویت‌اند. یعنی می‌توان با دنبال کردن دیدگاه‌های خاص در آن‌ها مثلاً پی برد که این شعر سرودهٔ زنی است که نمی‌خواهد نسبت به انسان‌های هم‌جنس خود بی‌تفاوت باشد و متوجه آنچه بر نسل گذشته‌اش رفته است، هست. او حالا هم می‌خواهد نسل تازه را متوجه چیزهایی کند که در زمان و مکانشان می‌گذرد. به همین دلیل زیبایی و نازیبایی‌های جاری شده بر هر دو نسل را هوشمندانه و پوشیده در استعاره و کنایه‌های ساده می‌آورد. همچنان که از «سیب‌های سرخ شرم/ حسرت انارهای خنده ...» (ص ۴۰) روی گونهٔ مادران سرزمینش گفته و تأکید کرده است: «مادران ما درخت بوده‌اند». به این ترتیب به زنان سبز و محکمی که این سرزمین بر ریشه‌های باور آن‌ها ایستاده، اشاره کرده است.

ج. آسیب‌شناسی

این مجموعه هم با وجود داشتن همهٔ نقاط موفق یاد شده، دچار لغزش‌هایی در موسیقی و زبان شده است. مثلاً در اولین شعر کتاب - یا پیشانی اثر - سطر «کاش آن ابر بی‌خیال دور»، در حرف لام مشکل وزنی وجود دارد. این مشکل وزنی خوانش شعر را هم سخت کرده است.

از موارد ضعف زبانی می‌توان به تناسب نداشتن ضمیرها در شعر «کتاب قصه» اشاره کرد. در این شعر او از پیرمردها ... یا کتاب‌های قصه‌ای می‌گوید: «... که سال‌ها از انتشارشان گذشته است/ فصل آخرش ولی/ هنوز نانوشته است» (ص ۳۶). ضمن اینکه در پایان این شعر، قید «هنوز» تناسبی با مفهوم کتاب چاپ شده ندارد. در واقع کشف تصویری شاعر بین این اختلالات زبانی گم شده است.

یا کاربرد «توی» در شعر «مشق‌های جدی حساب» (ص ۳۰) به جای حرف اضافهٔ «در» که امروزه در سبک زبان گفتار مشاهده می‌شود: «در کنار راه/ توی دست اوست ...» ناگفته نماند، در این شعر با وجود تنگنای موسیقی، «توی» تنها گزینهٔ ممکن بوده است. این اتفاق از جملهٔ خطراتی است که در کمین زبان تلفیقی است. در این سبک زبانی، گاهی واژه‌ها در کنار دیگران نقش‌های کاربردی شده‌اند. شاعر هم چنان که در زبان گفتار رایج است، واژهٔ «وزنه» را به جای «ترازو» آورده است: «... دخترک نشسته پشت وزنه‌اش ...» این واژه یک کاربرد قدیمی در زبان محاوره است. چه بسا برای مخاطب بزرگسال هم امروزه قابل

درک نباشد. این مشکل ممکن است به دلیل ننگجیدن کلمهٔ «ترازو» در موسیقی شعر هم رخ داده باشد.

در این مجموعه گاهی به تصویرهای زیبا، ولی با سویهٔ منفی و مبهم برمی‌خوریم. مثلاً در شعر مادر بزرگ، شاعر از «اسب‌های در صدای تو رها» (ص ۲۸) می‌گوید. تصویری که با وجود زیبایی، امکان برداشت کمیک هم از آن انتظار می‌رود. نمونهٔ مبهم دیگر، عطر «گون» در همین شعر است که بعید به نظر می‌رسد مخاطب نوجوان امروزی درکی از آن داشته باشد. عطر گون رایحه‌ای خاص دارد و حس کهنگی، قدمت و ایستادگی را - به دلیل ماهیت مقاوم این درخت بیابانی - متبادر می‌کند. اما این موارد برای مخاطب نوجوان چقدر قابل دریافت است؟ چه بسا تجربهٔ این رایحه برای مخاطب ناخوشایند باشد. در این بخش، «خنده‌های هیچ‌کس/ عطر گندم و گون نداشت» (ص ۲۸)، از نمونه‌های موفق حس‌آمیزی برای مخاطب بزرگسال است. در شعر «کاکلی‌های صدا» هم دو پرندۀ «سهره» و «کاکلی» به همین مشکل دچارند. به نظر می‌آید شاعر خواسته از دو نام کهنه و کلیشه‌ای آشنایی‌زدایی کند، اما موفق نشده است. فقط تصویرهای منقطعی را پشت سر هم در هر سطر این شعر آورده است؛ به گونه‌ای که ارتباط تقاضای شاعر را برای حرف زدن ... با تصویر سطرهای بعد نمی‌توان دریافت: «... با کسی حرف بزن/ تا گوزنی بدود/ تا پرستویی پرواز کند ...» (ص ۳۹).

د. حرف آخر

با وجود این لغزش‌ها، مجموعهٔ «خداحافظی در خیابان پاییز» اثری قابل تأمل است. کتابی که نوجوانان می‌توانند آن را بخوانند و از آن لذت ببرند. چون با تجربهٔ زندگی آن‌ها از هر طبقه و سلیقه‌ای متناسب است. برخی شعرها با اینکه در حال و هوای نوجوانی شاعرند، ولی به خوبی با دنیای نوجوان امروزی تطبیق یافته‌اند. مریم اسلامی، ضمن نزدیک کردن آن خاطرات به فضا و موقعیت‌های امروزی، آن‌ها را برای نوجوان بازتولید کرده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. اسلامی، مریم (۱۳۹۴). سی شعر سی ضرب‌المثل. گوهر اندیشه. مشهد.
 ۲. اسلامی، مریم (۱۳۸۸). ۴۸ لالایی (برای ۴ فصل). فدایانی. تهران.
 ۳. منبع خیر فارسی: «کد خبر ۵۶۸۸۳۹۰۰».
 ۴. «شام آخر» مسیح، اثر لئوناردو داوینچی.
 ۵. Intertextuality
 ۶. Haiku
 ۷. همچنان که «سبب نقره‌ای ماه». از حسن منزوی به یادگار مانده است.
 ۸. گورد، یاستین (۱۳۸۹). درخت پرتقال. ترجمهٔ مهرداد بازبازی. کتاب‌های هرمس. تهران.
- منابع
۱. اسلامی، مریم (۱۳۹۶). خداحافظی در خیابان پاییز. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تهران. تهران.
 ۲. دهرامی، مهدی (۱۳۹۴). «بررسی چگونگی نام‌گذاری عنوان شعر در ادبیات سنتی و معاصر و کارکردهای زیباشناختی آن». شعرپژوهی (بوستان ادب). دانشگاه شیراز. دورهٔ ۷. ۳.
 ۳. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳). واژه‌نامهٔ هنر شاعری. کتاب مهناز. تهران.
 ۴. بهمن، نامورمطلق (۱۳۹۴). درآمدی بر بینامتنیت (نظریه‌ها و کاربردها). نشر سخن. تهران.